

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
 صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
 مدیرمسئول: سید میثم موسوی مهر
 سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی

سال هفدهم
 ۳۱ فروردین ۱۴۰۵
 ۲۲۴۴ شماره
 ۲۳۳۹ شماره

نشانی: خیابان کوهسنگی
 ابتدای کوهسنگی ۱۵
 دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲۲۸۸۸۱-۵
 شماره: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴
 روابط عمومی: ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲
 شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

سایت شهرآرآنیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میتوانم نامۀ اخلاق حرفه‌ای

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر: ۱۱:۳۰:۲۷
 غروب آفتاب: ۱۸:۰۹:۲۸
 اذان مغرب: ۱۸:۲۸:۲۷
 نیمه شب شرعی: ۲۲:۴۵:۰۸
 اذان صبح فردا: ۰۳:۲۰:۴۷
 طلوع آفتاب فردا: ۰۴:۵۱:۲۷

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
 صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
 مدیرمسئول: سید میثم موسوی مهر
 سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی

سال هفدهم
 ۳۱ فروردین ۱۴۰۵
 ۲۲۴۴ شماره
 ۲۳۳۹ شماره

نشانی: خیابان کوهسنگی
 ابتدای کوهسنگی ۱۵
 دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲۲۸۸۸۱-۵
 شماره: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴
 روابط عمومی: ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲
 شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

سایت شهرآرآنیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میتوانم نامۀ اخلاق حرفه‌ای

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر: ۱۱:۳۰:۲۷
 غروب آفتاب: ۱۸:۰۹:۲۸
 اذان مغرب: ۱۸:۲۸:۲۷
 نیمه شب شرعی: ۲۲:۴۵:۰۸
 اذان صبح فردا: ۰۳:۲۰:۴۷
 طلوع آفتاب فردا: ۰۴:۵۱:۲۷

تقویم تاریخ

امروز سالروز درگذشت استاد محمد تقی شریعتی، معروف به سقراط خراسان، از اندیشمندان اسلامی و روحانیون تأثیرگذار در مشهد است که سال ۱۳۶۶ از دنیا رفت. او پدر مرحوم علی شریعتی نویسنده نامدار ایرانی است.

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
 صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
 مدیرمسئول: سید میثم موسوی مهر
 سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی

سال هفدهم
 ۳۱ فروردین ۱۴۰۵
 ۲۲۴۴ شماره
 ۲۳۳۹ شماره

نشانی: خیابان کوهسنگی
 ابتدای کوهسنگی ۱۵
 دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲۲۸۸۸۱-۵
 شماره: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴
 روابط عمومی: ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲
 شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

سایت شهرآرآنیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میتوانم نامۀ اخلاق حرفه‌ای

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر: ۱۱:۳۰:۲۷
 غروب آفتاب: ۱۸:۰۹:۲۸
 اذان مغرب: ۱۸:۲۸:۲۷
 نیمه شب شرعی: ۲۲:۴۵:۰۸
 اذان صبح فردا: ۰۳:۲۰:۴۷
 طلوع آفتاب فردا: ۰۴:۵۱:۲۷

گوش نیوش

زیارت می کنم امام رضا(ع) را

در مدح امام رضا(ع)، ترانه ها و آوازهای بسیاری سروده شده و قطعات موسیقی بی شماری منتشر شده است. در سبک های متنوع و با زبان ها و گویش های گوناگون. در این بین اهالی موسیقی مقامی، به ویژه خنیاگران خراسانی که در همسایگی شاه خراسان سکونت دارند، نقش ویژه ای در تولید آثار موسیقایی برای امام مهربانی ایفا کرده اند. یکی از آثار موسیقی مقامی در همین باب اثر «روضه پر نور رضا(ع)» با صدای استاد عبدالعزیز احمدی خواننده نامدار اهل تربت جام است. او در این قطعه کلامی (بدون ساز) در ستایش امام رضا(ع) می خواند:

علی موسی الرضا شاه خراسان / ز رحمت مشکلم را ساز آسان / مرا از ظلم دوران ایمنی بخش / که از جور فلک باشم هراسان / زیارت می کنم امام رضا را / اول قفل و دوم گلدسته ها را ...

برای شنیدن این قطعه کد را اسکن کنید.

عکس: محسن مشکاتالاسمان نیوز

گوش نیوش

زیارت می کنم امام رضا(ع) را

در مدح امام رضا(ع)، ترانه ها و آوازهای بسیاری سروده شده و قطعات موسیقی بی شماری منتشر شده است. در سبک های متنوع و با زبان ها و گویش های گوناگون. در این بین اهالی موسیقی مقامی، به ویژه خنیاگران خراسانی که در همسایگی شاه خراسان سکونت دارند، نقش ویژه ای در تولید آثار موسیقایی برای امام مهربانی ایفا کرده اند. یکی از آثار موسیقی مقامی در همین باب اثر «روضه پر نور رضا(ع)» با صدای استاد عبدالعزیز احمدی خواننده نامدار اهل تربت جام است. او در این قطعه کلامی (بدون ساز) در ستایش امام رضا(ع) می خواند:

علی موسی الرضا شاه خراسان / ز رحمت مشکلم را ساز آسان / مرا از ظلم دوران ایمنی بخش / که از جور فلک باشم هراسان / زیارت می کنم امام رضا را / اول قفل و دوم گلدسته ها را ...

برای شنیدن این قطعه کد را اسکن کنید.

عکس: محسن مشکاتالاسمان نیوز

چکامه

شرف خاک خراسان همه دانی که ز چیست؟ ز آنکه در خطه او روضه رضوان آمد چه عجب بوی بهشت از دم بادی که در او اثری از شرف خاک خراسان آمد یک طواف درش از قول رسول قرشی تا به هفتاد حج نافله بکسان آمد آنکه اندر حرم جان محبان مهرش مالک چار حد خانه ایمان آمد

حسن کاشی آملی

هم صدایان و دیگر هیچ

در جنگ خطرناک ترین صدکدام است؟ صدای بمب و موشک؟ صدای جنگنده هایی که بمب و موشک می اندازند؟ صدای تخریب و آوار؟ در یک کلام صداهای دشمن ساخته؟ یا صداهای دوست پرداخته؟ صداهایی که جنگ را «مداخله بشردوستانه» نام گذاری می کند؟

من بر آنم که دومی.

کار نداریم که قبا (بشردوستی) هیچ جوره به تن فناس ایستنی ها و کودک کشان غزه راست نمی شود. اما اساسا کجای تاریخ و جغرافیا دیده ایم که یک قدرت مسلط نظامی و اقتصادی و غیره، «بشردوستی» پیشه کرده باشد و به قصد بشردوستی کاری انجام داده باشد؟ کجای تاریخ و جغرافیا اگر به کشوری حمله نظامی شده، مقصود چیزی جز تضعیف و انهدام بوده؟ این «مداخله بشردوستانه» دروغی بود که ایران فروشان وقیحانه قابض کردند و تحویل ما دادند و بعضی از ما هم سفیهانه تحویل گرفتیم و به دیوار آویزان کردیم. جنگ افروزان جنگ راه می اندازند که امکان بقای ملت ها را از بین ببرند. هدف نهایی ویرانی کشور است نه تغییر رژیم سیاسی. برای همین رژیم پادشاه و فرودگاه و کارخانه و دانشگاه و پل را می زنند. هدف این است که توان جوامع و ملت ها را برای ادامه حیات مستقل را از میان ببرند. هدف اصلی همان است که رهبر شهیدمان گفت: «آمریکا می خواهد ایران را بلعد». شیره اش را بکشد و تغال اش را رها کند، همان کاری که با عراق و افغانستان و لیبی و ... کرد.

اما در جنگ خطرناک ترین صدا، صدای بی وطن ها و وطن فروش هایی است که به خیال خام تغییر رژیم و رسیدن به قدرت، با اینکه می دانستند دشمن خارجی هدفی جز نابود کردن کشور ندارد، با او هم صدایی کردند و برای بمب هایش بوس فرستادند. پس فردا هم که خدای ناکرده، وطن به ویرانه ای تبدیل شد، می گویند: «البته نیت خوب بود، اما بد اجرا شد.» گویی ما یادمان می رود که در تمام مراحل این اجرای بد، برای مجریانش کف و سوت زده بودند و بارغبت کامل اسافل اعضایشان را بوسیده بودند. و دیگر هیچ.

عکس: امید مهی بزاز

امام رضا(ع): نیکی به دیگران را چون برشمردی، دیگر خیری ندارد.

العدد القویة: صفحه ۲۹۷ حدیث ۲۸

روز واقعه

ایران، ایرانِ امام رضا(ع) است

نویسنده: آزاده چشمه سنگی

حساب چهارشنبه ها با باقی روزهای هفته فرق داشت. از قدیم تا همین حالا. سنگ صبح های چهارشنبه، بالا سر زندگی بوده و هست. مثل لباس پوشیدن. توی تمام آن چهل و چند روزی هم که از آسمان کشور بمب و موشک می بارید، تنها کسی که خیالش راحت بود مشهد امن و امان می ماند، مامان بود. مامان، تا همین یک سال پیش گوشی هوشمند نداشت. حالا هم که دارد فقط برای تماس گرفتن است.

صفحه این گوشی پیدا شده بزرگ است. بهتر می بیند و گرنه کاری با اینترنت و شبکه های خیری ندارد. تحلیل خود خود اوست. مامان، بی اینکه بداند مشهد به لحاظ سیاسی و جغرافیایی چقدر می تواند مستعد هدف قرار گرفتن موشک های دشمن باشد، معتقد است «امام رضا(ع) خودش محافظت می کنه!» این را از همان روز اول گفت و چهارشنبه های امام رضایی اش لنگ نشد.

گاه گذاری هم که صدای پدافندی، انفجاری، چیزی به گوش می رسید، خودش را جمع و جور می کرد و می گفت، ما امام رضا(ع) داریم. مامان در رقابت با تمام تحلیلگرانی که اعتقاد داشتند این طوری هانمی ماند و بالاخره پای تجاوز دشمن به آسمان مشهد هم می رسد، هشت هیچ از همه جلوتر بود. منطق خاصی هم نداشت. فقط توی تمام این روزهای جنگ، هر بار از حرم برمی گشت خانه غصه می خورد که چقدر حرم خلوت شده. یاد ایام کرونا می افتاد.

آهی می کشید و نفرینی از ته دل حواله ترامپ و تانیاها می کرد و می گفت: من بچه ها را نگه می دارم، بلند شو برو یک زیارتی کن و برگرد. مامان همیشه بانی زیارت های من است. یک جوری از لذت زیارت می گوید که انگار هرگز حرم امام رضا(ع) را تجربه نکرده ام. آخر شبی توی ویدئوهای مجازی چشمم می افتد به

ویدئوی نصب یک کتیبه بزرگ که از ایوان طلایی صحن انقلاب آویزان می شود. بعد از آن همه سیاه پوشی، حالا یک کتیبه سبز مرآباد ایمان ثابت مامان می اندازد، «ایران، ایران امام رضا(ع) است.» و «ایران امام رضا(ع) تا ابد پیروز است» مامان راست می گفت. بی اینکه تریبونی داشته باشد یا گفته هایش با تحلیل های تئورسین ها

عکس: محسن مشکاتالاسمان نیوز

روایت اول

ایران استوار

ما ایرانیان در تاریخ بلند خود، از دل بحران ها همواره آینده مان را درخشان ساخته ایم

نخستین ضربه ها را به شهرهای ماوراءالنهر بخارا، سمرقند و آنبار وارد می کردند. پس از آن آتش به جان نیشابور انداختند و مردمش را سلاخی کردند. هرات، بلخ و ری را زمین گیر کردند و در نظر بسیاری، ایران برای همیشه از صحنه روزگار محو شد اما تاریخ، تنها روایت ویرانی نیست. چند دهه پس از همان فاجعه، نشانه های بازگشت آرام زندگی

میریم شیعهداد زمستان سال ۶۱۶ هجری قمری، خبرهایی هولناک از شرق به خراسان رسید. سپاهی در راه بود که قصه خون خواری اش، مردم را به وحشت می انداخت. نام فرمانده اش چنگیزخان بود. مردمانی از دشت های دوردست مغولستان را با خود آورده بود. سوارانی بی رحم که با سرعتی باورنکردنی شهرها را درمی نوردیدند و

دیده شد. شگفت آنکه فرهنگ ایران، بر دشمن غلبه کرد. در میانه قرن هفتم هجری، هلاکوخان از نوادگان چنگیز، حکومت ایلخانی را در ایران بنیان گذاشت و به تدریج اداره سرزمین به دست وزیران دیوان سالاران ایرانی افتاد.

خواجه نصیرالدین طوسی، فیلسوف و دانشمند بزرگ، در همین دوره رصدخانه مراغه را بنیان نهاد و علم را سرپا کرد. شبکه دیوانی و اداری ایران که ریشه در سنت های کهن داشت، رفته رفته دوباره جان گرفت و بسیاری از کارگزاران ایرانی در اداره حکومت تازه نقش گرفتند. حتی زبان فارسی که حامل حافظه فرهنگی این سرزمین بود، در دربار ایلخانان و در آثار ادبی و تاریخی همان دوره گسترش یافت. تاریخ نگارانی چون عطاملک جوینی و رشیدالدین فضل ... همدانی، روایت همین دوران پرتلاطم را نوشتند و نشان دادند که چگونه جامعه ای که ضربه ای چنین سنگین خورده بود، هنوز توان بازسازی خود را داشت.

حمله مغول یکی از ویرانگرترین فصل های تاریخ ایران بود؛ فصلی که شهرها، جمعیت ها و ساختارهای سیاسی بسیاری را از میان بردامد. دل همان ویرانی، ویژگی دیگری از تاریخ این سرزمین نیز آشکار شد و آن هم غلبه فرهنگ ایران، بر هر دشمنی بود. جامعه ایرانی، حتی پس از شدیدترین فروپاشی ها، راهی برای بازآفرینی زندگی، فرهنگ و نظم اجتماعی پیدا می کند. کیفیتی که امروز می توان آن را یکی از ریشه های دیرپای تاب آوری ایرانیان دانست.

فرهنگ تاب آوری

فرهنگ تاب آوری از دل لحظه هایی شکل می گیرد که زندگی ناگهان دشوار می شود؛ لحظه هایی که بحران، فشار یا فقدان، نظم عادی زندگی را برهم می زند. در چنین موقعیت هایی، آنچه تعیین می کند یک فرد یا جامعه چگونه از دل بحران عبور کند، فقط امکانات مادی نیست بلکه مجموعه ای از نگرش ها، ارزش ها و رفتارهای مشترک است که به آن، فرهنگ تاب آوری، گفته می شود.

این فرهنگ به انسان ها می آموزد که در برابر سختی ها خم شوند اما نشکنند و پس از هر آسیب، راهی برای بازسازی خود پیدا کنند. تاب آوری تنها به معنای تحمل درد و دشواری نیست. معنای عمیق تر آن توانایی سازگار شدن با شرایط تازه، یاد گرفتن از تجربه های سخت و ادامه دادن مسیر زندگی است. زمانی که این نگاه در یک جامعه ریشه می یابد، مردم یاد می گیرند که بحران پایان راه نیست، بلکه بخشی از مسیر زندگی است؛ مسیری که می توان از

آن عبور کرد و حتی از آن قوی تر شد. در این دوران، مردم یاد می گیرند که بحران پایان راه نیست، بلکه بخشی از مسیر زندگی است؛ مسیری که می توان از

عکس: امید مهی بزاز